

پرده نقره‌ای

کوروش تهامی بازیگر

«سلفی بادموکراسی» شد

در حالی که ۱۰ روز از آغاز فیلمبرداری «سفی بادموکراسی» سپری شده است، کوروش تهامی برای ایفای نقش سر سجد به مجموعه بازیگران این فیلم اضافه شد. تاکنون پولاد کیمیایی، پژمان بازغی، آتیلا پسیانی، امیرعباس گلاب و سیما تیراندار از جمله بازیگرانی هستند که قرار است در این فیلم ایفای نقش کنند. «سلفی بادموکراسی» فیلمی درباره جانبازان و شهدای هشت سال دفاع مقدس است و داستان آن تقریباً در ادامه داستان فیلم «دموکراسی توروز روشن» اتفاق می‌افتد. فیلمبرداری دهمین فیلم علی عطشانی که با حجم زیادی از جلوه‌های ویژه ساخته می‌شود، صبح چهارشنبه ۱۰ مهر آغاز شده‌است.



فیلمبرداری «لاله»

سر انجام تمام شد



از سال ۹۲ که فیلمبرداری «لاله» به تعلیق درآمد، کارگردانش در صدد ادامه ساخت آن بود که از مدتی قبل مرحله دوم فیلمبرداری با تهیه‌کنندگی تورج منصوری که مدیریت فیلمبرداری را هم از ابتدا برعهده داشت شروع شد و روز جمعه ۱۹ مهرماه هم تمام شد. ساخت این فیلم در مرحله اول به تهیه‌کنندگی پروانه پرتوبود و فیلمبرداری ۴۰ درصد مانده به تهیه‌کنندگی تورج منصوری انجام شد که این بخش توسط حسن ایوبی در حال تدوین است. البته بخش ابتدایی فیلم تدوین شده و گروه امیدوار است که تا یک ماه آینده تدوین به پایان برسد. منصوری همچنین ابراز امیدواری می‌کند که این فیلم در جشنواره فیلم فجر امسال حضور داشته باشد.

این فیلم چند سال قبل بر سر مالکیت دچار حاشیه‌هایی شد که از سرگیری و تمام شدن فیلمبرداری‌اش نشان می‌دهد مشکلاتی که مانع از ادامه کار بود برطرف شده ولی بااین حال با توجه به تأخیری که در ادامه ساخت این فیلم پیش آمد، هماهنگی برای حضور تمام عوامل فنی مرحله قبل سخت بود به همین دلیل تغییراتی در عوامل صورت گرفته و مثلاً صدابردار قبلاً ایرج شهزادی بود که به دلیل حضور در پروژه‌ای دیگر نتوانست همکاری‌اش را ادامه دهد و محمود کاشانی صدابرداری کار را تمام کرده است. فیلم «لاله» درباره «لاله صدیق» یکی از قهرمان‌های اتومبیل‌رانی ایران است. در این فیلم سارا انیری (در نقش لاله)، ایرج نوذری، سینان تازچو، نیکی کریمی، سام قربیبیان، همایون ارشادی، پیام اینالویی، محمودار دلان، امیرعلی دانایی و محمد صادقی از جمله بازیگران هستند که فهرست کامل در خبرهای بعدی منتشر خواهد شد.



ثبت قرارداد دو فیلم جدید در

شورای صنفی نمایش



نمایش فیلم‌های روی پرده سینماها همچنان ادامه دارد.

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره مصوبات جلسه ۲۱ مهر این شورا به ایسنا گفت: در این جلسه قرارداد دو فیلم جدید به ثبت رسید که بر این اساس فیلم «۲۳ نفر» مهدی جعفری در گروه سینمایی باغ کتاب بعد از فیلم «چشم و گوش بسته» اکران می‌شود و فیلم «هشت آخر» مهدی فخیم‌زاده نیز در گروه فرهنگ بعد از فیلم «بیلانج» به نمایش درمی‌آید.

او افزود: کف فروش فیلم‌ها برپرسی شد و اکران فیلم‌های روی پرده فعلاً ادامه دارد.

از یاد نبریم که این اولین

کار همایون غنی‌زاده

در مدیوم سینماست

و فیلم دلخوشی‌های

امیدوارکننده‌ای پیش‌رو

می‌گذارد. خیلی از بزرگان

سینما هم در ابتدا آثاری

نه چندان قابل توجه‌روی

پرده آوردند و سینمای

ایران به فیلم‌هایی این

چنینی که رنگ‌بندی اکران

را تنوع می‌دهد احتیاج

دارد

دیدنی‌ست، اما در کلیت اتفاقا کمی توی ذوق می‌زند، به طور خاص برای تماشاچی عادی سینما.

و اما نکته آخر درباره جو نامطلوبی است که توسط برخی منتقدان حوالی فیلم صورت گرفت. همان‌هایی که پس از نمایش فیلم در جشنواره، آن را مسخره کردند و خود کارگردان را بی‌سواد خطاب کردند.

واقعیت این بود که توقع بیشتری از همایون غنی‌زاده می‌رفت؛ اما فیلم او حداقل تازه و خلاقانه است و از جریان کلی سینمای ایران کمی راهش جداست.

از یاد نبریم که ایـن اولین کار او در مدیوم سینماست و فیلم دلخوشی‌های امیدوارکننده‌ای پیش‌رو می‌گذارد. فراموش نکنیم که خیلی از بزرگان سینما هم در ابتدا آثاری سلخته و نه چندان قابل توجه روی پرده آوردند و چقدر سینمای ایران به فیلم‌هایی این چنینی که رنگ‌بندی اکران را تنوع می‌دهد احتیاج دارد.

در این یک دهه اخیر چند فیلم فانتزی و سورئال داشته‌ایم؟ چنین انتقادات تندی بیشتر جهت سرکوب و متکوب است و فضای کار را اخته می‌کند. اگر واقعا تب فرهادیسم و کمدی آبگوشتی خسته‌مان کرده باید به آثاری چون «مسخره‌باز» فرصت داد. این قلم نحیف‌تر از آن است که باید و نبایدی تعیین کند، اما شاید هم این صدا به جایی رسید و والسلام.

به وضعیت انتخاب‌هایی که در دل خودش جبر دارد و در واقع نمایشی از انتخاب هستند. نکته مشترک درباره هر سه کاراکتر وجه تکرارپذیر بودن رفتارهای آن‌هاست که در بار اول بسیار کمیک و جذاب و خلاقانه به نظر می‌رسد و در دفعات بعدی چون در ریل داستان نیفتاده، قابل پیش‌بینی و کسل‌کننده شده. در واقع برمی‌گردم به ابتدای دو پاراگراف قبل، «مسخره‌باز» سه کاراکتر تازه معرفی می‌کند و یک سلمانی کم‌نظیر و فضایی که در آمده، اما برای آدم‌هایش برای سلمانی‌اش برنامه ندارد. چون به پیش نمی‌رود همه آدم‌هایش در ذهن تماشاچی سقط می‌شوند.

توسعه داستان در یک فضای فانتزی و سورئال حتی بیشتر از یک فضای رئال اهمیت دارد، چون تماماً نیاز به حفظ انسجام هست و فیلم غنی‌زاده چنان کلیپ‌های جذاب یکی دو دقیقه‌ای است که انگار با یک چسب ناچسب سعی شده به هم چسبانده شود و در انتها شبیه یک کلاژ ناهمگون شده و اصلاً این تب کلاژسازی هم خودش حکایتی است نه فقط در سینما بلکه در تمامی عرصه‌های هنر.

در هر صورت وقتی انسجامی در میان نباشد، همه چیز از دست می‌رود، آن همه میزانشن‌های باشکوه و در عین حال مینی‌مال، آن تلاش برای تزریق موسیقی و بو و نور که در جای جای سلمانی کاظم آقا حضور دارد.

البته آن همه ار جاعات بامزه به تارانتینو و علی حاتمی و دیگران چون در یک بافت منسجم اتفاق نیفتاده، تکه شده و بی‌ربط به نظر می‌رسد. از همین جهت هم هست که «مسخره‌باز» در کلیپ‌های اینستاگرامی اثری وسوسه‌کننده به نظر می‌رسد، چون می‌شود یک دقیقه‌های بسیاری از آن درآورد که



جسمی‌اش بوده و این کنایه ظریفی است و کمیاب در سینمای ایران. و اما دانش که داستان از زبان او روایت می‌شود. یک عشق سینما که دائماً مرز میان واقعیت و رویا را رد می‌کند. اواز فرط عشق به سینما و هما (هدیه تهرانی) کمی خُل می‌زند و دچار جنون شده است. رفتار تکرار شونده و نمادگرایانه دانش، کنایه‌ای است



«مسخره‌باز» در کلیپ‌های

اینستاگرامی اثری

و سوسه‌کننده به نظر

می‌رسد، چون می‌شود یک

دقیقه‌های بسیاری از آن

درآورد که دیدنی‌ست، اما

در کلیت اتفاقا کمی توی

ذوق می‌زند، به طور خاص

برای تماشاچی عادی

سینما

است از یک فعال سیاسی که حالا وضعیت متفاوتی دارد و یک شاگرد سلمانی است. شاپور هر روز تَن ماهی می‌خرد و هر روز گمان می‌کند در تَن ماهی‌اش موهست و با شرکت تولیدکننده تماس می‌گیرد. شاپور دائماً شکاک است تا جایی که اولین رابطه‌اش را برقرار می‌کند. صبح پس از رابطه، او تبدیل به یک آدم ملایم و خونسرد و مهربان شده، انگار بن بست عصبی او از سر برطرف نشدن نیازهای

اتومبیلی شده که دائماً دور یک میدان می‌چرخد. در چنین شرایطی اگر تماشاچی تهوع نگیرد، حداقل دزدگی خواهد داشت. حالا هر چقدر هم که روابط میان سه کاراکتر اصلی داستان بدیع و خلاقانه و در دنیای سورئال باورپذیر در آمده باشد، باز هم چون حرکت داستانی نداریم پس اتفاقی برای تماشاچی نمی‌افتد. بگذارید از آن سر ماجرا قضیه رانگاه کنیم. در خلأ داستان چه چیزهایی از دست رفته؟ یعنی در واقع چه چیزهای ارزشمندی در این فیلم داشته‌ایم که حالا در غیبت داستان تلف شده؟

کاراکتر کاظم آقا با بازی فوق‌العاده علی نصیریان یک عاشق خسته به یادماندنی است. آن شوخی تکرار شونده‌اش و آن ماجرای لِرزش دست و اصرار به اصلاح سیبل مشتری‌ان، به تنهایی یک سر و گردن از شوخی‌های کمدی سینمای ایران بالاتر است. چون یک موقعیت کمیک ایجاد شده و نه صرفاً یک دیالوگ ساده جنسی و یا یک موقعیت پیش پا افتاده اسلب استیک. کاراکتر شاپور با بازی متفاوت بابک حمیدیان ظاهراً کاریکاتوری

ایمان عبدلی

همین ابتدای یادداشت باید تکلیف شما احتمالاً مخاطب کم‌حوصله سینمای ایران را روشن کنم. اگر طالب فیلمی هستید که داستانش قرار است سرگرم‌تان کند، «مسخره‌باز» انتخاب مناسبی برای شما نیست. همایون غنی‌زاده همان فرم موردنظرش در نمایش‌هایی چون «می‌سی‌سی‌پی نشسته می‌میرد» را به پرده سینما منتقل کرده با یک تفاوت آشکار در این دو مدیوم. اگر در صحنه نمایش پروداکشن عظیم و نَفَسِ عوامل باعث می‌شود که نمایش تا انتهای کار جذاب بماند، در سینما همه چیز می‌تواند مقابل دوربین معمولی جلوه کند و چیزی از نَفَسِ عوامل در میان نیست. پس برای ایجاد کشش باید تعلیق و گره داشت، همانی که «مسخره‌باز» ندارد و داستانش حرکت طولی ندارد.

در واقع موقعیت داستانی در «مسخره‌باز» به عمق هم نمی‌رود و بیشتر با یک فضای پرسه‌زن مواجهیم. این حرکت نداشتن و درازدن بعد از ۱۵ دقیقه مخاطب را کلافه می‌کند و انگار سوار

یادداشت

قاچاق فیلم‌های سینمایی ادامه دارد

آیا سر نخ فیلم‌های قاچاقی در وزارت ارشاد است؟

آبان نامجو

شاید اولین مواجهه جدی ما با قاچاق فیلم، «سننوری» مهرجویی باشد. فیلم در جشنواره اکران شد و مجوز نمایش عمومی نگرفت. ناگهان پس از چند ماه در میان بساط دست‌فروشان میدان انقلاب سی‌دی‌های «سننوری» دیده شد و چقدر هم فروش رفت و هر کسی در کامپیوتر شخصی‌اش یک نسخه از اثر را کپی کرد.

ماجرای فیلم‌های توقیفی و قاچاق احتمالاً سازمان‌یافته از آن‌جا شروع شد و آن قدر ادامه پیدا کرد و حالا پس از توقیف هر اثر می‌توانیم مطمئن باشیم که بعد از چند ماه نسخه قاچاق آن بیرون خواهد آمد اما این همه ماجرا نیست و مساله اینجاست که این آثار از جایی درون ارشاد بیرون می‌آید و این صرفاً یک فرضه نیست و کسی مثل تهیه‌کننده «متری شش و نیم» کاملاً به آن معتقد است.

سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده فیلم «متری

شش و نیم» در این مورد می‌گوید: «نسخه‌های قاچاق «متری شش و نیم» که این روزها در فضای مجازی منتشر شده است به هیچ‌وجه پرده‌ای نیست. ما یک کپی خام را به کمیته پروانه نمایش وزارت ارشاد داده بودیم تا ببینند و نظرشان را بگویند. این همان نسخه‌ای است که حالا در بازار قاچاق منتشر شده است»

البته مالباختگان همیشه هم آن قدر از سر اقتدار با ماجرا برخورد نمی‌کنند، گاهی مثل منوچهر هادی کار به عجز و لایه می‌رسد. منوچهر هادی نوشت: «مدیران محترم ارشاد که دستور توقیف رحمان را داده‌اید و در عرض کمتر از یک روز تمام سینماهای کشور که بالغ بر ۲۰۰ سالن بود، فیلم را از روی پرده برداشتند، لطفا دستور بفرمایید باز رسین شما که به سینماها سر می‌زنند سری به مغازه‌ها بزنند و اجازه ندهند دی وی دی قاچاق به این راحتی خرید و فروش شود. لطفاً خواهشا التماس می‌کنیم دستور بدهید نسخه اصلاح شده با مجوز شورا

